

Received:
11 September 2024
Revised:
10 November 2024
Accepted:
01 November 2024
Published:
20 December 2024
P.P: 111-137

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5258



Analysis of the concepts of security and police from Imam Khamenei's point of view

Javad monazami Tabar *¹

Abstract

Background and purpose: The purpose of this research is to explain the role of Naja in providing social security by emphasizing the views of the Supreme Leader, Ayatollah Ali Khamenei.

Research methodology: This research is presented with explanatory-analytical method and using library resources and documents.

Findings and Conclusion: The findings showed that from the Supreme Leader's point of view, security is of particular importance, which will be fulfilled through NAJA as the most important producers of authority and national security, and on the other hand, based on the roadmap of the Islamic Revolution, the police force of the Islamic Republic of Iran. It has duties that can ensure the consistency and durability of the Islamic state and society.

Keywords: Naja; social security; Islamic Republic.

1. Corresponding author: Assistant professor and member of the academic staff of the University of Police Sciences, Tehran, Iran.

Javadmonazamitabar@gmail.com

Cite this Paper: Monazami Tabar, (2024). The role of social security in ensuring the national security of the Islamic Republic of Iran. *Social crisis management*, 4(16), 111–137.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).

تحلیل مفاهیم امنیت و پلیس از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

جواد منظمی تبار^۱دوره شانزدهم
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰
صص: ۱۳۷-۱۱۱شابا چاپی: ۲۰۰۸-۳۵۶۴
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۸

چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش تبیین نقش ناجا در تأمین امنیت اجتماعی با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش: این تحقیق با روش تبیینی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد ارائه شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، امنیت اهمیت ویژه‌ای دارد که این مهم از طریق ناجا به‌عنوان مهم‌ترین تولیدکنندگان اقتدار و امنیت ملی برآورده خواهد شد و از طرفی، براساس نقشه راه انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران وظایفی دارد که می‌تواند موجب قوام و دوام دولت و جامعه اسلامی گردد.

کلیدواژه‌ها: ناجا؛ امنیت اجتماعی؛ جمهوری اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران.

Javadmonazamitabar@gmail.com

استناد: منظمی تبار، جواد (۱۴۰۳). تحلیل مفاهیم امنیت و پلیس از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مدیریت بحران

های اجتماعی، ۴(۱۶)، ۱۳۷-۱۱۱.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1403.5.1.1.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

بشر از آغاز ورود به پهنه هستی، با معمای امنیت روبرو بوده است؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشری یعنی «زندگی» به‌شمار می‌آمد؛ خطراتی که بسیاری از آن‌ها از سوی نیروهای طبیعی بود. بر این اساس می‌توان گفت که جست‌وجوی امنیت، پیوندی ناگسستنی با جوهر هستی انسان دارد و حفظ ذات و صیانت نفس، از اساسی‌ترین امیال انسان است. انسان‌ها به‌طور کلی به‌منظور برآوردن نیازهای زیستی، با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند. در این راستا، می‌توان مهم‌ترین نیاز هر جامعه را - خواه یک طایفه یا قوم کوچک باشد یا یک کشور - تأمین امنیت جامعه و افراد آن دانست (روشندل، ۱۳۷۴: ۳۳). به‌طور کلی انسان که به اقتضای خلقتش اجتماعی آفریده شد، ناچار از وابستگی به «دیگری» و «دیگران» است و در طول تاریخ حیات پرفراز و نشیب خود، تأمین آرامش داخلی، آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدات فراوان، اندیشیدن و ابتکارات و خلاقیت‌های تکامل‌یافته خود را برای فراهم کردن وسایل گوناگون و رسیدن به این مقصود به‌کار گرفت.

تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه، ازجمله مهم‌ترین ابزارها و وسایلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. مجموعه این ابتکارها و خلاقیت‌ها درنهایت به ایجاد و گسترش چتری حمایتی منجر می‌شود که در سایه آن، فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشند و درنبرد آن، به وضعیتی می‌رسند که به آن آنومی (بی‌قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) گفته می‌شود (ذاکر اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵۶). اندیشمندان سیاسی، برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به‌طور کلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. درواقع از گذشته‌های دور تاکنون، دستور کار اصلی دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است (عرفی‌نظری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱).

مقوله امنیت در اسلام جایگاه و اهمیت خاصی دارد و همواره طراحی آن در بستر نظام اسلامی مورد توجه بوده است. این مفهوم ازجمله موضوعاتی است که در قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع در اسلام، به‌گسترده‌گی به آن اشاره شده است. قرآن درواقع اولین منبع احکام اسلامی است که امنیت

را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت پرشمرده است. به طور کلی مواردی چون باور به اصل توحید، التزام داشتن و تعهد به قوانین الهی، برقراری عدل و قسط، حق حیات، حق کرامت انسانی، حق آزادی، حق انتخاب، تساهل و تسامح، ترویج انفاق و ایثار، پرهیز از جنگ و خشونت در برخورد با مخالفان و صلح طلبی با آنان، اصل برادری و اخوت به جای دشمنی، هم گرایی و وحدت، مبارزه با جنگ طلبان و منافقان، پرهیز از استبداد و ستم، حقوق و تکالیف متقابل حکومت و مردم، وحدت پیروان ادیان الهی، همزیستی مسالمت آمیز و ...، از رئوس اصلی هستند که در تأمین امنیت مورد توجه اسلام قرار دارند (امام جمعه زاده و درجانی، ۱۳۸۹: ۷۱).

جمهوری اسلامی ایران نیز برای حفظ ثبات و امنیت و دفع تهدیدات داخلی و خارجی و هم چنین دستیابی به اهداف و آرمان های خود، نیروهای مسلحی را فراهم نموده است که از جمله آن ها می توان به نیروی انتظامی اشاره نمود که براساس قانون اساسی، حفظ نظم و امنیت مردم را برعهده داشته و در کنار سایر دستگاه های امنیت ساز می تواند با انجام دقیق وظایف خود موجب تحقق آن شود. در این تحقیق با مراجعه به افکار و اندیشه های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، جایگاه و نقش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در تحقق جامعه اسلامی به بحث گذاشته شده است. بر همین اساس مسأله اساسی این تحقیق آن است که به این سؤال پاسخ دهد که نظر مقام معظم رهبری در خصوص امنیت به خصوص امنیت اجتماعی، برای ایجاد جامعه و تمدن اسلامی چیست؟ و ناجا چه نقشی در تأمین این امنیت دارد؟

مبانی نظری

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی را می توان درامان بودن یا درامان حس کردن خود از تهدید، تهدید کننده بودن محیط زندگی، افراد خانواده، دوستان، مال و سرمایه تعریف کرد (عاملی، ۱۳۷۸؛ ضرابی، شرفی و زنگنه، ۱۳۹۱). احساس امنیت اجتماعی، نوعی جهت گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع کننده و آرامش بخش) گروه های اجتماعی نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدید در شرایط فعلی و آتی) است (افشار، ۱۳۸۵؛ حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸). درواقع احساس امنیت اجتماعی در تعریفی عملیاتی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن و

نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع یک گروه اجتماعی گفته می‌شود (زارع، ۱۳۸۷؛ تاجران و کلالی، ۱۳۸۸؛ پوریان، ۱۳۸۹؛ بیات، ۱۳۸۸).

امنیت اجتماعی^۱ در مطالعات امنیتی و از جمله در مکتب کپنهاگ، یکی از ابعاد پنج‌گانه امنیت ملی است و مرجع خویش را هویت گروه‌های اجتماعی بزرگ در جامعه می‌داند. امنیت اجتماعی جدای از امنیت ملی نیست و دغدغه‌های آن را به شکل دیگری در سر دارد. به همین جهت، در فضای تهدیدمحوری، موضوع طرح می‌کند و فقط به شیوه‌های مقابله توجه دارد (نویدینیا، ۱۳۸۳: ۶۹).

به مدد مفهوم شانس زندگی از ماکس وبر و تعبیر گیدنز از شیوه زندگی و سیاست زندگی، سطح امنیت اجتماعی را تعیین می‌کنیم. شیوه زندگی مورد بحث گیدنز همان سبک زندگی است که وبر در بحث گروه‌های منزلتی و تمایز میان آن‌ها بیان کرده است. درواقع، شیوه زندگی و سبک زندگی، دو مفهوم در قالب معنایی یکسان هستند.

چنان‌که در جدول زیر آمده است، سه سطح امنیت اجتماعی، شامل سه وجه مهم زندگی اجتماعی است. هرچه احتمال شانس زندگی بالاتر باشد، میزان برخورداری از امنیت در سطح بقا بالاتر است، هرچه انتخاب سبک زندگی محتمل‌تر باشد، تحقق امنیت در سطح رضایت بیشتر است و هرچه امکان تعیین سیاست‌های زندگی بیشتر فراهم باشد، میزان درک امنیت در سطح زیبایی ممکن‌تر خواهد بود.

جدول ۱. رابطه بین نگرش به اجتماع و حوزه امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی	سطوح امنیت	معیار	برنامه
تأمین «اجتماعات»	بقا و ثبات	همکاری - رقابت	شانس زندگی
تضمین آسایش	توسعه و رضایت	سلطه‌پذیری - سلطه‌گری	سبک زندگی
ضامن آسودگی	رهایی و زیبایی	وحدت‌گرایی - تکتگرایی	سیاست زندگی

۱. در اینجا یادآوری می‌کنیم چون واژه (Societal Security) که ترجمه آن امنیت جامعه‌ای یا جامعه‌گی است اصطلاح چندان مأنوسی نیست، از کلمه اجتماعی استفاده شده است که البته این کلمه هم معادل دقیقی نیست.

با توجه به سطوح امنیت اجتماعی، از آنجا که اجتماعات از طریق مراودات، تعاملات و مناسبات دوجانبه و متقابل میان اعضای خویش و هم چنین با سایر اجتماعات پابرجا هستند، نوع تعاملات متقابل را می توان معیاری برای تشخیص کم و کیف امنیت اجتماعی دانست.

تعاملات متقابل و مناسبات دوجانبه، در سه سطح امنیت یعنی بقا، توسعه و رضایت، رهایی و زیبایی تفاوت دارند؛ چنان که تعاملات در سطح بقا به مراحل همکاری و رقابت بر سر شانس های زندگی معطوف است. هرچه قواعد رفتاری در چارچوب های رسمی و مدون در قالب قوانین و مقررات، شیوه های همکاری و رقابت را برای کسب شانس های زندگی فراهم کرده باشند، می توان ادعا کرد امنیت اجتماعی در سطح بقا تحقق یافته است. به عبارت دیگر، اعضای اجتماعات نسبت به یکدیگر می دانند چگونه عمل نمایند تا بتوانند شانس های بیشتری برای زندگی خویش فراهم کنند. هم چنین اجتماعات نیز نسبت به هم این آگاهی را دارند که چگونه در فرایندهای تعیین شده از طریق همکاری یا رقابت، شانس های زندگی خویش را بیشتر کنند (همان، ۷۷).

حال زمانی که تعاملات از فضای همکاری و رقابت خارج و به فضای پرخاشگری، ابراز خشونت و اعمال قهرآمیز برای کسب شانس های زندگی وارد می شود، امنیت اجتماعی در معرض آسیب قرار می گیرد و آسودگی تضمین نمی شود. بالطبع هرچه تعداد تعاملات از شکل همکاری و رقابت خارج شود و به سمت مناسبات خشونت آمیز میل کند، میزان تحقق امنیت اجتماعی کمتر خواهد شد.

سطح توسعه و رضایت، بر شیوه های زندگی استوار است؛ به این معنا که هرچه اجتماعات بتوانند بیشتر در جهت شیوه و مرام خواسته شده خویش گام بردارند، توانمندی های خویش را بیشتر رشد می دهند و رضایت بیشتری کسب می کنند و هرچه اجتماعات برای انتخاب شیوه زندگی با مشکلات بیشتری مواجه باشند، محدودیت های بیشتر در جهت رشد و گسترش مهارت های خود دارند و رضایت کمتری به دست می آورند.

بنابراین، توسعه و رضایت در گرو میزان تعاملات سلطه پذیری و سلطه گری رقم می خورد؛ به این معنا که اجتماعات چقدر امکان انتخاب آنچه را می خواهند (شیوه زندگی) در اختیار داشته باشند، دارند؛ هرچه میزان انتخاب و اختیار اجتماعات بیشتر باشد، آن ها به سوی شیوه های زندگی خویش رهسپار می شوند و بالعکس؛ هرچه اجتماعات میزان انتخاب و اختیار کمتری داشته باشند، در تعیین

شیوه‌های زندگی محدود هستند و توسعه و رضایت آنان فراهم نخواهد شد. به بیان دیگر، امنیت اجتماعی در سطح رضایت به میزان تعاملات و مناسبات متقابلی معطوف است که میزان انتخاب و اختیار اجتماعات را تعیین می‌کند. هرچه اجتماعات در فضای سلطه‌گری و سلطه‌پذیری کمتری قرار داشته باشند، انتخاب و اختیار بیشتری دارند و تحقق امنیت اجتماعی بیشتر است و هرچه اجتماعات بیشتر در گیر روابط سلطه‌پذیری و سلطه‌گری باشند، انتخاب و اختیار خبری ندارند و تحقق امنیت اجتماعی کمتر است.

اما در سطح‌رهایی و زیبایی، تحقق امنیت اجتماعی با میزان مراودات وحدت‌گرا و تکررگرا تعیین می‌شود. اجتماعات در این سطح وقتی به‌رهایی و درک زیبایی می‌رسند که انواع سیاست‌های تحقق خویش را به‌بوته آزمایش گذارند و در میان آن‌ها سیاستی را برگزینند که به شکوفایی اجتماع منجر می‌شود. سیاست‌های زندگی در دو دسته کلی وحدت‌گرا و تکررگرا شکل می‌گیرد و یکی بدون دیگری معنا ندارد. اجتماعات هم‌چنان که تمایز و اختلاف دارند، باید تا حدی انسجام، وحدت و اجماع نیز داشته باشند. به این جهت در عین تکرر و تفاوت، به‌سوی وحدت و تجانس نیز کشانده می‌شوند؛ لذا سیاست زندگی اجتماعی هم‌چنان که به همکاری و رقابت نیازمند است، به‌میزانی از تکرر و همگونی نیز نیاز دارد. بنابراین، امنیت اجتماعی در سطح‌رهایی وقتی سامان می‌گیرد که اجتماعات در عین حفظ و حراست از تمایزات خویش، در جهت نفی یکدیگر حرکت نکنند و همدیگر را بپذیرند و به‌میزانی از تعاملات همگون و اجماع دست یابند. هرچه اجتماعات به‌سوی یکی از این دو نوع تعامل سوق داده شوند، امنیت اجتماعی بیشتر از میان آن‌ها رخت برمی‌بندد.

نظریات امنیت اجتماعی

مهم‌ترین نظریات در خصوص امنیت اجتماعی براساس جدول شماره ۲ عبارتند از:

جدول ۲. نظریات امنیت اجتماعی

نظریه پرداز	نظریه
نظریه‌پردازان متأخر و کلاسیک مانند متسکیو، دوتوکویل، لاک، هابز، تونیس، پاره‌تو و ...	سبک زندگانی و روابط مشترک، رضایت‌مندی و پیمان اجتماعی، کنترل و سرکوب خواسته‌های غیرعقلانی، انجمن‌های داوطلبانه، به‌کارگیری نخبگان، روابط قراردادی

نظریه	نظریه پرداز
تأکید بر عدل و انصاف، اجماع، ثبات صنوف، رضایت مردم، گرایش های دینی و عصبیت قومی، همکاری	نظریه پردازان اسلامی مانند امام محمد غزالی، طوسی، فارابی، ابن خلدون، ابن سینا، فخر رازی و ...
توجه به قانون، نوع حاکمیت، نحوه رفتار نیروهای انتظامی، ایدئولوژی حاکم، شیوه ها و میزان برخورد با ناهنجاری ها و عملکرد پلیس، فشارهای اجتماعی	ساختارگرایی
سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی	گیدنز، کلمن، پوتنام و فوکویاما
توجه به حقوق اجتماعی و شهروندی، همبستگی و انسجام اجتماعی، هویت فردی - اجتماعی، انتظارات مشترک، اطلاعات	تعامل گرایی مانند هومنز، بلومر، گافمن و ...
بالا بودن توافق اذهان، روابط ناعادلانه، کاهش انسجام اجتماعی، به کارگیری زور و قوه قهریه در مناسبات اجتماعی و تقسیم کار	کنت و دورکیم
حمایت از نیروهای تولید یا کارگران و نیز امنیت شغلی آنها	مارکس و مارکسیست ها
ناسازگاری میان اهداف فرهنگی و ابزارهای اجتماعی برآورنده اهداف فوق و نیز افزایش فشارهای اجتماعی	مرتون و کلوارد
کنترل های اجتماعی رسمی و غیررسمی، حقوق شهروندی، حکومت، کنش ارتباط	مکتب انتقادی مانند کانت و هابرماس
امکان عضویت در گروه های اجتماعی مختلف و حفظ عناصر اصلی جامعه	باری بوزان و مالر
احترام به هویت ها و ارزش های گروهی و خرده فرهنگ های مختلف	الویور
شناخت نظام دانایی، تشکل های گفتمانی، روابط قدرت دانش، دولت ها، مصرف، تکنیک های انضباطی و مجازات، تولید و بازتولید نشانه های هنجاری - ارتباطی مرتبط با حال و واقعیت ها	پست مدرن ها مانند بودریار، فوکو، دریدا، بودریار، لیوتار و ...

نظریه	نظریه پرداز
فراهم شدن شرایط مناسب زندگی و مسکن	مکتب شیکاگو مانند رابرت پارک، سالتز و دیکنز
روابط جوهره جامعه، وفاق، کمیت و کیفیت پیوندهای میان شبکه‌های اجتماعی، اعتماد، همبستگی، هویت	نظریه پردازانی مانند کلمن، نان‌لین، کاستلز، ترنر، گرانووتر، گلنر، بروگمن و ...

شاخص‌های امنیت اجتماعی

مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اجتماعی عبارتند از:

۱. برهم خوردن ساختار روابط مشترک میان افراد گروه یا جامعه؛
۲. تضعیف پیمان‌ها و مشارکت‌های اجتماعی؛
۳. وجود محدودیت در جامعه برای فعالیت‌های انواع گروه‌های اجتماعی؛
۴. عدم احساس آرامش از درامان بودن خانواده؛
۵. از دست دادن جان، مال، سرمایه و شغل؛
۶. کاهش میزان رضایت‌مندی و اعتماد؛
۷. عدم اطمینان از برآورده نشدن حقوق و آزادی‌های مدنی؛
۸. افزایش میزان جرم و ناهنجاری‌ها در جامعه.



نمودار ۱. شاخص های امنیت اجتماعی

نیروی انتظامی و امنیت در جمهوری اسلامی ایران

اهمیت و ضرورت پلیس در جامعه به اهمیت و ضرورت وجود امنیت در زندگی بر می گردد. از آنجا که «امنیت» نعمتی بی بدیل در همه ابعاد فردی و اجتماعی و از نیازهای اصلی فرد و جامعه است و ایجاد و گسترش آن نیز وظیفه حکومت ها، دولت ها و احاد ملت است، هیچ مکتب یا نظام حقوقی نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد؛ زیرا «امنیت» عامل مهمی برای پیشرفت و تعالی جامعه است. در کشور ما «سازمان پلیس» مظهر تدبیر، مدیریت، اقتدار و عظوفت نظام اسلامی است (غیاثی، ۱۳۹۰: ۸۹). پلیس اسلامی، از آشکارترین جلوه های اقتدار، رأفت و محبت نظام و میدان عملی شدن بسیاری از ارزش ها و فضایل اخلاقی است. با مروری بر نقش و عملکرد پلیس در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مانند تأمین امنیت عمومی شهرها و حفاظت از امنیت روستاها و مناطق دورافتاده کشور، تأمین امور انتظامی دستگاه عظیم اداری کشور توسط پلیس

پیشگیری، مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر به عنوان ریشه دارترین توطئه فرهنگی - اجتماعی، انتظام بخشیدن به امور ترافیک و حمل و نقل شهری و نیز نظم و هدایت امور ترافیک جاده‌ای به عنوان شریان‌های حیاتی اقتصاد و ارتباطات کشور توسط پلیس راهور، انجام امور اجرایی مربوط به اتباع کشورهای خارجی در بعد انتظامی و کنترل عملکرد آنان در داخل کشور، همکاری با شبکه جهانی پلیس (اینترپل) در راستای اهداف این سازمان بین‌المللی در مورد شناسایی و استرداد مجرمان طبق توافق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، برگزاری موفق مراحل متعدد همه‌پرسی‌ها و انتخابات در سراسر کشور طی سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت انتظامی، امنیتی و حراستی، ایجاد بستری امن و آرام در فضای مجازی با تشکیل «پلیس فتا» و ... می‌توان ادعا کرد از خیابان تا بیابان، از محیط عینی کوچه و بازار تا فضای مجازی، حضور پلیس امنیت‌بخش جامعه و نظام سیاسی بوده است. این مجاهدت فرماندهان و افراد نیروهای ناجا در جنگ سخت، نیمه‌سخت و نرم، به گونه‌ای بوده است که مورد تقدیر و تشویق و اعطای مدال «مجاهدان واقعی فی سبیل الله» از سوی فرماندهی معظم کل قوا گردید (حسینی، ۱۳۹۴: ۴۳).

با همه این مجاهدت‌ها، ایثارگری‌ها و خستگی‌ناپذیری کارکنان ناجا در خدمت‌گزاری به مردم و دولت، هنوز تا تحقق اهداف اسلامی و تشکیل «دولت اسلامی»، «کشور و جامعه اسلامی» و «تمدن اسلامی» و مقدمه‌سازی برای تحقق «دولت کریمه مهدوی» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ اما با این حال، لحظه‌ای نباید از تحقق این آرمان‌ها غفلت نمود. در شرایط خطیر امروزی، کارکنان نیروی انتظامی، باید به‌طور جدی تلاش کنند تا این نهاد انقلابی، افزون بر نقش کم‌نظیر خود در برقراری نظم و امنیت داخلی و پویایی انقلاب و کارآمدی نظام اسلامی، به سطح پلیس مطلوب اسلامی برسد و به سازمانی در تراز انقلاب اسلامی ارتقا یابد. از بیانات مقام معظم رهبری چنین به دست می‌آید که پلیس، ضمن پاسداری و مصونیت از خود، باید با تمام ویژگی‌های ارزنده‌اش، در همه ابعاد تقویت گردد تا در بستر معنویت و بصیرت، عزت و استقلال و اتکای به خداوند متعال به کمال‌یابی خویش ادامه دهد و هم‌چنان در نقش بسیار مهم خود به عنوان «مجاهدان فی سبیل الله» در مجموعه نظام ولایی، ایفای نقش نماید.

«عناصر پلیس از بالا تا پایین، باید به کمک آقایان محترم عقیدتی - سیاسی، این مجاهدت را بکنند که پلیس را به سطح پلیس اسلامی کامل برسانند» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۴).

با این توصیف نیروی انتظامی، امانت گران سنگی است که باید آن را به برکت شهدا و مجاهدان پرافتخارش حفظ و تقویت کرد تا هم چنان در جایگاه و منزلتی ایده آل و منطبق با معیارهای پلیس مکتبی، نقش ارزنده خود را در مجموعه نظام ولایی ایفا نماید از این رو، همه متصدیان باید کوشش نمایند تا این نهاد انقلابی، روزه روز بارورتر و پرتوان تر به وظیفه خطیر برقراری نظم و امنیت و پاسداری از دستاوردهای انقلاب عمل کند. اگر بخواهیم نقش پلیس را در تحقق دولت اسلامی بررسی کنیم، باید ابتدا دولت را پدیده‌ای تصور کرد که چهارپایه یا وجه دارد:

وجه اجبار: دولت اساساً پدیده‌های اجبارآمیز دارد. بدون وجود اجبار، دولت نمی‌تواند کارویژه‌های خود هم چون حفظ نظم و امنیت، حل منازعات، دفاع در مقابل مهاجمان خارجی و را انجام دهد.

وجه مشروعیت یا وجه مشروعیت بخشی: در توجیه اقدامات حکومت و دلیل اطاعت مردم به کار می‌آید.

وجه عمومی یا تأمین خدمات و کارویژه‌های عمومی: بدین معنا که دولت باید به حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی، حل منازعات و تطبیق با شرایط جدید و متحول بپردازد و هم چنین جهت دستیابی به اهداف کلی خود کوشش کند.

وجه تربیتی و پرورش فضیلت در شهروندان: دولت باید موجبات و بسترهای لازم برای تربیت شهروندان را فراهم کند.

درواقع، یک دولت زمانی کارآمد تلقی می‌شود که افزون بر داشتن چهره‌ای اجبارآمیز، بتواند در توجیه اقدامات خود موفق داشته باشد، کارویژه‌های عمومی خود را به نحو احسن انجام دهد و زمینه‌ها و بسترها لازم را برای تربیت شهروندان فراهم آورد. در این میان، نیروهای حفاظتی مانند پلیس، علاوه بر اینکه جزیی از چهره اجبار دولت محسوب می‌شوند و در تأمین نظم و امنیت داخلی مؤثر هستند، در تأمین خدمات و ارائه کارویژه‌های عمومی دولت‌ها نیز می‌توانند ایفاگر نقش‌های بی‌بدیلی باشند. هر چند با تفسیری موسع از نقش پلیس، او می‌تواند در تربیت شهروندان نیز نقش داشته باشد (قربانی، ۱۳۹۴: ۵۷).

نکته دیگر اینکه کارآمدی نظام‌های سیاسی که با مفهوم پیشرفت ارتباط نزدیک دارد، تنها در شرایطی حاصل می‌شود که یک نظام سیاسی از بسترهای مساعد یا به تعبیر دقیق‌تر، از پیش شرط‌های اساسی پیشرفت مانند امنیت، ثبات و ... برخوردار باشد که در این میان، نیروهای خدمت‌گزار پلیس با تأمین امنیت و ثبات در کشور می‌توانند زمینه‌ساز پیشرفت و ارتقای کارآمدی نظام اسلامی باشند؛ بنابراین، اگرچه در نگاه اول شاید نتوان نقش مستقیمی را برای پلیس در پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی متصور شد؛ اما باید دانست که تأمین نظم و امنیت داخلی که مأموریت اصلی پلیس محسوب می‌شود، زمینه‌ساز تحقق بسیاری از آرمان‌ها از جمله کارآمدی نظام خواهد بود، بدین معنا که در نبود نظم و امنیت، نه پیشرفتی قابل دسترسی است و نه کارآمدی دولت محقق می‌شود. درواقع نظام سیاسی و مملکت‌داری موفق و کارآمد در هر کشوری تنها با حضور و فعالیت دستگاه‌های مختلف شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد و در این زمینه، بدون شک نیروهای خدوم پلیس که عهده‌دار وظایف مهم و حساسی هستند، نقش بی‌بدیل دارند (همان). با توجه به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، می‌توانیم در راستای ارتقای امنیتی مطلوب در دولت اسلامی، برای پلیس دو وظیفه در نظر بگیریم:

الف) درون‌سازمانی:

«... عزیزان من! هرچه می‌توانید، در سالم‌سازی فضای درونی نیروی انتظامی تأکید کنید. هرچه می‌توانید، خود شما تخلفات داخلی نیروی انتظامی را بزرگ بشمارید» (بیانات در دیدار با کارکنان و فرماندهان نیروی انتظامی، ۷۶/۰۴/۲۵).

با این توضیح، بازنگری ساخت درونی و به تعبیر دیگر، ایجاد تحول معنوی و معرفتی در ابعاد و زوایای مختلف رفتار فردی، رفتار سازمانی و عملکرد بیرونی و به تبع آن اصلاح ساختاری و سیستمی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی، در ردیف یکی از مهم‌ترین نقش‌های ناجا در تطابق با ویژگی‌های دولت اسلامی قرار دارد.

ب) برون‌سازمانی

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با اشاره به نقش ناجا در ایجاد امنیت در مسیر اهداف دولت اسلامی، این نیرو را «مظهر حاکمیت و امنیت» جمهوری اسلامی خوانده‌اند و با تأکید بر این که

ایجاد امنیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و روحی و روانی در جامعه، از مهم ترین مسئولیت های نیروی انتظامی است، گفته اند: «لازمه برقراری امنیت، اقتدار پلیس است؛ اما این اقتدار باید همراه با عدالت، مروت و ترحم باشد» (بیانات در دیدار با فرماندهان و مدیران، ۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

«شعار عدالت اجتماعی نیز همین طور است. اهتمام به مسئله عدالت اجتماعی در کشور، نباید یک لحظه کاستی بگیرد. البته این قضیه، قضیه شعاری نیست، با گفتن هم مسأله تمام نمی شود؛ همه دستگاه ها باید تلاش کنند» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

به طور کلی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مجموعه بیانات شان، ایفای درست و کامل وظایف را، نقش اصلی و اساسی ناجا در ایجاد دولت اسلامی و برقراری امنیت و عدالت در جامعه، اعلام نموده و «اقتدار پلیس» را لازمه دستیابی به این هدف دانسته اند؛ در عین حال بر اقتدار توأم با مهربانی و عطف در برخورد با مردم، تأکید داشته اند و همانند سایر دستگاه ها، سازندگی درونی فرماندهان و کارکنان و نیز سازمان ناجا را در ابعاد مختلف مادی و معنوی، به عنوان مقدمه و پیش نیاز همه این نکات، مورد تأکید قرار داده اند (عرفی نظری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۴).

امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

یکی از شاخص های سنجش امنیت اجتماعی در هر جامعه و کشور، بررسی امنیت سیاسی آن جامعه می باشد؛ بدین معنا که مردم در جامعه احساس امنیت فکری و نشاط فکر نمایند و بتواند افکار و عقاید خود را در چارچوب قانون بیان کنند که معظم له در این زمینه به خوبی بدان اشاره نموده و فرمودند:

«بنده درباره مطبوعات و نوشتن ها، صحبت های زیادی کرده ام، هیچ کس هم نمی تواند منکر این بشود که بنده طرفدار فکر آزاد، قلم آزاد، بیان آزاد معارف منتشره گوناگون در این کشورم؛ اعتقاد من این است من می گویم بایستی افکار و آراء و سلاقی مختلف در کشور، به صورت صحیح و درست مطرح بشود؛ اما گفتن معارف گوناگون یک حرف است؛ دروغ گفتن به مردم و نوشتن و تحریف کردن حقایق و بلندگوی دشمن شدن، حرف دیگری است؛ آنچه که من در باب مطبوعات نمی توانم قبول کنم و بپذیرم، این دومی است» (جاویدی، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

شاخص های امنیت اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱- استقرار عدالت اجتماعی:

برقرار کردن عدالت در جامعه یکی از اهداف مهم حکومت پیامبران الهی و امامان معصوم است و یکی از پایه‌های اساسی امنیت به‌شمار می‌آید. درحقیقت وجود بی‌عدالتی در یک جامعه، روایت‌گر ناامنی و بی‌نظمی در آن جامعه است؛ چراکه عدالت بدون بسترسازی و نظام‌مندشدن نظم و پایداری امنیت حاصل نمی‌شود. عدالت اجتماعی یعنی توزیع فرصت‌های برابر برای همگان و نگرش حکومت به همه اقشار و احقاق حقوق همگان که مقام معظم رهبری به‌خوبی بدان اشاره نموده‌اند و فرمودند:

«عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه برنامه‌های حکومت - در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف‌های طبقاتی، موردنظر و هدف باشد. اینکه ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم - اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری هم از مردم دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پرکردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین سخت‌ترین مسئولیت ماست. همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند» (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴).

۲- امنیت مسکن و شغل:

از عوامل مؤثر در تحقق امنیت اجتماعی، توجه به امنیت شغلی افراد است و از دیدگاه اسلام و رهبری، امنیت تنها در مورد جان و مال و ناموس مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تأمین شغل و مسکن و سایر امنیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند» (نظرپور، ۶۶: ۱۳۸۷).

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از کارگران و فعالان بخش تولید و جمعی از کارگران نمونه و برتر، به مقوله کار و کارگر در عرصه فرهنگسازی و هم‌چنین در عرصه قانون‌گذاری و اجرایی‌خاطر نشان کردند:

«اگر قشر کارگر از امید و رفاه و امنیت شغلی برخوردار باشد، حرکت کشور در مسیر پیشرفت سریع‌تر و آسان‌تر خواهد شد» (دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور در آستانه روز کارگر، ۱۳۹۲/۲/۷).

۳- مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی:

یکی دیگر از راه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. امام (ره) آن دسته از افرادی که انحراف اخلاقی دارند و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشانند، به‌عنوان غده سرطانی معرفی کرده و معتقدند: «آنکه فاسد می‌کند جامعه را و دست از فسادش برنخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد؛ او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند» (خمینی، ۱۳۸۷: ۸۲). رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی، انحرافات اجتماعی را خطرناک می‌داند که حیات اجتماعی ما را هدف قرار داده است:

«مسئله مواد مخدر واقعاً مهم است. یعنی؛ یکی از حساس‌ترین، مراکز حیات اجتماعی ما را هدف گرفته است، خیلی خطرناک است، جوان‌های ما، دختر و پسر ما، در مقابل یک سیل عظیم هدایت‌شونده بی‌پناه است و اعتیاد به مواد مخدر را به‌عنوان بلای خطرناک اجتماعی یاد کرده است» (کریمایی، ۱۳۸۹: ۹۸)؛ بنابراین یکی از راه‌های ایجاد امنیت اجتماعی، مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی می‌باشد.

۴- نظارت عمومی:

امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و نظارت کارگزاران نظام، از وظایف مهم اجتماعی به حساب می‌آید و از دیدگاه رهبری، برای اصلاح امور جامعه و استقرار نظم و امنیت اجتماعی لازم است:

«امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجم‌های دیگر، با شدت کم‌سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده

ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لیسل ظن الله علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یستجاب لهم». قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم، آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف شناس و منکر شناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است. امر به معروف، این هاست و الا اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم به وسیله افراد معلومی زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش بنا می کند سمپاشی کردن؛ که در ایران بناست از این به بعد، نسبت به زن های بدحجاب، این طور عمل شود! این واجب به این عظمت را، که قوام همه چیز به آن است، بیاورند در دایره ای محدود، در خیابان های تهران؛ آن هم نسبت به چند نفر زنی که وضع حجاب شان مثلاً درست نیست. این است معنای امر به معروف؟! این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه؟! قضیه، بالاتر از این حرف هاست. تخلف ها یک اندازه و یک نوع نیست. تخلف ها، تخلف های فردی نیست. بالاترین تخلف ها، آن تخلف ها و جرایمی است که پایه های نظام را سست می کند. نومید کردن مردم، نومید کردن دل های امیدوار، کج نشان دادن راه راست، گمراه کردن انسان های مؤمن و با اخلاص، سوء استفاده کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی، کمک کردن به دشمن، مخالفت کردن با احکام اسلامی و تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن. امروز دست هایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نامحسوس نه آن طوری که شما در خیابان آن را ببینید و بفهمید و مشاهده کنید، به شکل های

گروهکی، ترویج کنند و جوانان را به فساد بکشانند؛ پسرها را به فساد بکشانند؛ مردم را به بی‌اعتنایی بکشانند. منکرات این‌هاست؛ منکرات اخلاقی، منکرات سیاسی، منکرات اقتصادی. همه‌جا، جای نهی از منکر است. یک دانشجو هم، در محیط درس می‌تواند نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم، در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند. یک کاسب مؤمن هم، در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند.

یک هنرمند هم با وسایل هنری خود، می‌تواند نهی از منکر کند. روحانیون در محیط‌های مختلف، یکی از مهم‌ترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند. نمی‌شود این واجب بزرگ الهی را در دایره‌های کوچک، محدود کرد. کار هم کار همه است. این‌طور نیست که مخصوص عده خاصی باشد. البته هر کس وظیفه‌ای دارد؛ قشرهای مختلف، باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر پیدا کنند. باید خطر را بشناسیم. باید نقاطی را که خطر، از آن نقاط جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، درست بشناسیم. آن عبرت‌های قضایای صدر اسلام را برای مردم و برای خودمان، باز کنیم. مهم‌ترین وظیفه‌ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، این است که نیروهای مؤمن و آمر به معروف و ناهی از منکر و آن‌هایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند، باید در صحنه باشند. همه‌جا باید حضور داشته باشند. حزب‌اللهی‌بودن، یعنی آماده‌کاربودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۵/۷).

عوامل ناامنی اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

عوامل متعددی در ایجاد ناامنی اجتماعی در یک جامعه دخیل می‌باشد که به‌طور کلی به دو دسته داخلی و خارجی تقسم می‌شوند؛ ازجمله اعتیاد، فقر، فساد، فحشا، تبعیض، بیماری، اختلالات روانی و ... که معظم‌له، رواج مواد مخدر، اعتیاد، بیکاری، عدم اشتغال و هم‌چنین سیاست‌بازی‌های جاه‌طلبانه و غیرمسئولانه از عوامل ناامنی می‌دانند و در کنار این عوامل، دخالت‌های دشمنان خارجی و تحرکات خارجی و عدم برخورد قاطع که موجب تردید و تزلزل می‌شود را از عوامل ناامنی دانستند و فرمودند:

«اشتغال وقتی نباشد یا کم باشد، یعنی وقتی بیکاری در جامعه باشد، این خودش یکی از عوامل ناامنی است؛ رواج مواد مخدر که باشد، از عوامل ناامنی است؛ سیاست‌بازی‌های جاه‌طلبانه و

غیرمسئولانه کسانی باشد، از عوامل ناامنی است؛ دخالت دشمن خارجی و تحریکات خارجی باشد، از عوامل ناامنی است؛ هیچ کدام از این ها به شما ربطی ندارد؛ اما کسی که باید شانه استوار و مستحکم خودش را زیر این بار بدهد، شما باید به میدان بیایید و با ناامنی با همه ابعاد آن مبارزه کنید» (جاویدی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

نقش ناجا در تأمین امنیت و امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در راستای همین اعتقاد به نظم و قانون می فرمایند: «تنها رعایتی که نیروی انتظامی باید بکند، عبارت است از رعایت نظم و قانون و رعایت اخلاق در اجرای قانون».

مقام معظم رهبری، فلسفه وجودی نیروی انتظامی را در راستای ایجاد امنیت چنین بر می شمرد: «فلسفه وجودی نیروی انتظامی این است که بتوانند برای آسایش مردم و آرامش محیط زندگی آن ها نظم برقرار کنند. مواظب باشید مردم دچار ناراحتی نشوند...» در بیان دیگر مقام معظم رهبری، نیروی انتظامی را به عنوان مظهر محبت و مدیریت نظام، بدین نحو معرفی می نماید:

«نیروی انتظامی که داریم با مردم سروکار دارد. می توانند هم مظهر عطف و محبت نظام باشند و هم مظهر تدبیر و مدیریت آن. این دو عامل را کنار هم رعایت کنید. حرکات و تصرفات شما هم باید نشان دهنده عقل و تدبیر مدیریت نظام باشد و در اسرع وقت مجرم دستگیر شود و هم باید مظهر عطف و ترحم و محبت و داد. معلوم باشد مأمور دولتی با کسی نظر شخصی و عناد ندارد» (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

واضح است که امنیت در نبود قانون، به خطر خواهد افتاد و یک نظام سیاسی که به صورت منظم، تدابیری برای امور محوله خود نداشته باشد به روزمرگی و بی برنامه گی کشیده خواهد شد و در نتیجه، در تأمین حقوق جامعه نیز به توفیقی دست نخواهد یافت. از آن سو وجود قوانین مدون و تعهد به آن، برای اجرای منظم و دوراندیشانه برنامه ها، از عوامل زمینه ساز امنیت است. مقام معظم رهبری در ذیل اعلامیه ای از امام (ره) که به امنیت عمومی توجه دارد، چنین می فرمایند:

«اولین مطلبی که در بیانیه امام (ره) به وضوح دیده می شود، اصرار و تأکید بر آرامش عمومی جامعه است...».

بدون تردید نیروهای مسلح هر جامعه، بازوان اجرایی حکومت و قضا در تأمین امنیت هستند و سلامت به وظیفه عمل کردن، فارغ از تخریب گرایی و گروه گرایی و ...، از جمله عواملی می باشد که نیروهای مسلح را می توانند در جهت کارکرد صحیح، یاری دهند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد نیروی انتظامی، چنین می فرماید:

«نیروی انتظامی باید ضمن رفتار کاملاً محترمانه و مهربانانه با آحاد مردم با عاملان و مروجان هرگونه ناامنی اجتماعی و اخلاقی قاطعانه برخورد کند ... مردم انتظار دارند در اجتماع و در کوچه و خیابان بدون هیچ دغدغه ای براساس اعتقادات دینی خود عمل کنند و شاهد هیچ منظره ای که وجدان دینی آن ها را آزرده می کند نباشند؛ لذا نیروی انتظامی باید با همه مسائلی که از نظر اخلاقی ممنوع است مقابله کند. مردم انتظار دارند وضع جامعه به گونه ای باشد که جوانان شان در بیرون از خانه تحت هجوم مسائل غیر اخلاقی قرار نگیرند. بنابراین نیروی انتظامی باید باید با کسانی که با اشاعه فساد در جامعه امنیت اخلاقی مردم را تهدید می کنند مقابله نماید. امنیت و نظام اجتماعی برای مردم گاه از مسائل معیشتی مهم تر است؛ لذا با کسانی که با رفتار یا گفتار خود متعرض آسایش و امنیت و آرامش دیگران می شوند باید بدون اغماض برخورد کنید. ضمن آنکه حریم شخصی افراد تا جایی که با رفتار خود به دیگران تعرض نمی کنند، کاملاً محترم است» (چشمه همیشه جاری، ۱۳۸۱: ۱۶).

مقام معظم رهبری در جایی دیگر و در همین باب می فرماید:

«نیروی انتظامی باید نظم و امنیت را طبق شرح وظایفی که قانون برایش معین کرده، در سرتاسر کشور، بخصوص در مناطق مرزی و بالأخص در برخی از مناطق که گاهی اشراری در آنجا نظم و امنیت را مورد اختلال قرار می دهند، به اثبات برسد. این، آن نکته اصلی و اولی است. باید ثابت کنید که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، این کفایت و کارایی را برای حمل بار امانتی که بر عهد اوست، داراست» (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

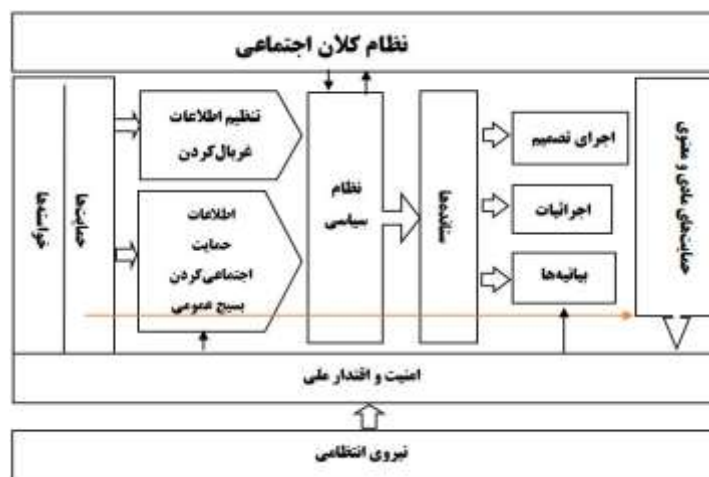
به طور کلی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به مقوله امنیت و حفظ و پاسداری از آن توسط نیروی انتظامی، اهمیت زیادی قایلند و آن را مهم و حساس می شمارند؛ لذا می فرمایند:

«مسأله نیروی انتظامی، البته یک مسأله اساسی و مهم است. اگر ما بخواهیم ضروریات زندگی بشر را در فصول عمده خلاصه کنیم و مثلاً به دو فصل، سه فصل و حداکثر به چهار فصل تقسیم نماییم؛ یک فصل از این چند فصل امنیت است. بدون امنیت، نه خوراک لذتی می‌بخشد، نه خانواده انسی ایجاد می‌کند و نه شغل و درآمد، فایده‌ای می‌دهد. امنیت که نبود، هیچ چیزی نیست. امنیت مثل هوا برای انسان، به‌طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد حالت اختناق پیدا می‌کند؛ مثل مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این اهمیت امنیت است. امنیت هم متعلق به همه است ... نیروی انتظامی هم متعلق به همه است» (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۹۴ و ۱۹۵).

و پلیس را مظهر ایجاد عدالت در جامعه می‌دانند «توجه داشته و دارید که هیچ جامعه‌ای از نفوذ عناصر فساد مصون نیست ... مفاسد اقتصادی، مفاسد اخلاقی، مفاسد سیاسی، تعدی به حقوق دیگران و زورگویی به دیگران در بین مردم ایجاب می‌کند. پلیس مظهر عدالت در این موارد است» (بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۸۳/۱۲/۱۶).

بحث و نتیجه‌گیری

در اندیشه سیاسی مدرن، دولت در فضای آنارشی، مسئول ایجاد امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند. از منظر جامعه‌شناسی و سیاسی نیز احساس امنیت را می‌توان محصول کنش متقابل اجتماعی دانست که از درون تعاملات متقابل افراد، گروه‌ها و نهادهای سیاسی متجلی می‌شود. به بیان دیگر، احساس امنیت در واقع نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری آن سهیم هستند. در این میان، نیروی انتظامی و پلیس جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک سازمان امنیتی - اجتماعی که نقش مهمی در تأمین امنیت و مراقبت از نظم و آسایش عمومی مردم و مبارزه با عناصر مخل آن دارد، در فرایند تولید نظریه‌های علمی مبتنی بر مبانی فکری و جهان‌بینی اسلامی و ارزش‌های بومی ایرانی که ریشه‌های توحیدی دارد، می‌تواند با استفاده از نخبگان فکری درون‌سازمانی و هم‌چنین به‌کارگیری نخبگان فکری برون‌سازمانی، تأثیر بسزایی در این رابطه داشته باشد و این مهم در پرتو خردمندی و عقلانیت در این سازمان میسر و امکان‌پذیر است.



نمودار ۲. روابط نیروی انتظامی و نظام سیاسی مبتنی بر رویکرد سیستمی

طبعاً و به‌طور منطقی، پلیس و نیروی انتظامی مطلوب جمهوری اسلامی ایران، پلیسی توانا، مردمی، مردم‌سالار، قانون‌گرا، هوشمند و دانش‌بنیان، چابک و حامی ارزش‌های اخلاقی و توحیدی و عدالت در جامعه بوده و از نظام سیاسی، مردم و نخبگان و رهبران سیاسی مردمی حمایت پشتیبانی می‌نماید و به‌نوعی حلقه واسط میان جامعه، مردم و حاکمیت تلقی می‌شود. پلیس با مشارکت در بسیاری از فرآیندهای اساسی کارکرد جامعه، به‌عنوان نهادی ظاهر می‌شود که در قلب کارکرد سیاسی یک جامعه قرار دارد؛ اگرچه این واقعیت براساس جوامع و دوره‌های مختلف، کم‌وبیش آشکار و پنهان وجود دارد. کارکرد پلیسی با مشارکت در اجرای تصمیمات و به تبعیت و داشتن مردم نسبت به هنجارها، صرف‌نظر از اشکالی که به خود می‌گیرد، روابط تنگاتنگی با نظام سیاسی برقرار می‌کند؛ اما در عین حال اصل نهاد پلیس که در حد فاصل نظام سیاسی و محیط اجتماعی خود قرار گرفته، به‌دلیل ارتباطش در جامعه با دیگر دستگاه‌های اداری، به‌منظور انجام مؤثر مأموریت‌های خویش هماهنگی دارد. بدین ترتیب پلیس ارتباط تنگاتنگی با دو محیط (محیط سیاسی و محیط جامعه) برقرار می‌کند؛ بنابر این پلیس با کارکردهای خوب و موفق خویش می‌تواند به‌نوعی توازن میان این دو محیط برقرار نموده و ضمن دفاع از نظام سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه، از حقوق مردم و حقوق شهروندان مراقبت نماید.

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، انتظارات معظم‌له از نیروی انتظامی در جهت تأمین نظم و امنیت اجتماعی عبارتند:

۱. تأمین و حفظ امنیت اسلامی و شهروندی مردم؛
۲. خدمت‌گذاری به مردم و ارائه خدمات امنیتی، انتظامی و رفاهی به‌صورت صادقانه، دلسوزانه و مخلصانه به مردم؛
۳. پلیس به‌عنوان مأمن، ملجأ و پناهگاه و امنیت مردم در تأمین امنیت؛
۴. قانون‌مندی و رعایت حقوق مردم در تأمین امنیت؛
۵. کلان‌نگری در امنیت و تأمین امنیت همه مردم کشور؛
۶. جلب رضایت‌مندی مردم با ارائه خدمات مطلوب و تأمین امنیت؛
۷. دفاع از امنیت اخلاقی، معنوی و فرهنگی مردم؛
۸. هوشیاری، دقت قاطعیت، سرعت عمل، پیگیری در انجام مأموریت؛
۹. دین‌داری و پای‌بندی به اصول و گسترش روح ایمان و تقوا در کلیه رده‌های پلیس؛
۱۰. ارتقای کارآمدی، قابلیت و توانمندی در تأمین امنیت مردم؛
۱۱. هدف‌گذاری، شاخص‌بندی و رصد کردن آن در تأمین امنیت جامعه و
۱۲. سالم‌سازی محیط اجتماعی و حفظ آبرو و حیثیت مردم در انجام مأموریت‌ها (کریمائی، همان: ۹۹-۱۰۰).

یافته‌ها نشان می‌دهد:

۱. نیروی انتظامی سازمان و نهادی در ذیل حاکمیت و نظام سیاسی است که در جمهوری اسلامی ایران در سلسله‌مراتب فرماندهی کل قوا به انجام مأموریت‌های خطیر خود در قلمرو تأمین نظم و امنیت و آسایش عمومی هم‌چنین نگهبانی و پاسداری از انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی برای فراهم شدن زمینه برای تربیت انسان‌های صالح و شایسته و هم‌چنین جامعه صالح و شایسته، می‌پردازد.
۲. پلیس و نیروی انتظامی ضامن و پشتوانه اجرایی شدن و تحقق قانون، احکام و حدود الهی و مقررات در جامعه است.

۳. پلیس و نیروی انتظامی پناهگاه مورداعتماد مردم و مجرای تأمین امنیت برای جامعه می باشد.
۴. پلیس و نیروی انتظامی الهی زینت زمامداران و حاکمان است.
۵. نیروی انتظامی مظهر عقلانیت و تدبیر نظام سیاسی است.
۶. نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی نظام سیاسی است.
۷. نیروی انتظامی مظهر عظوفت و مهربانی و ترحم نظام سیاسی است.
۸. پلیس مظهر صلابت و قاطعیت نظام سیاسی در برخورد با جرائم و مجرمان، بزهکاران، هنجارشکنان و قانون شکنان است.
۹. پلیس و نیروی انتظامی انتقال دهنده مطالبات و تقاضاهای عینی مردم و گروه های اجتماعی از متن جامعه به نظام و سیستم سیاسی می باشد.
۱۰. پلیس و نیروی انتظامی نقش بسیج کنندگی مردم و شهروندان در حمایت سیاسی از نظام سیاسی را ایفا می نماید.
۱۱. پلیس و نیروی انتظامی نقش اجتماعی کردن سیاست و افزایش مشارکت سیاسی را در میان مردم ایفا می نماید.
۱۲. پلیس و نیروی انتظامی نقش شکوفاسازی فرهنگ سیاسی معقول و منطقی در میان نخبگان سیاسی و مردم را می تواند ایفا نماید.
۱۳. پلیس و نیروی انتظامی در تصحیح و منطقی کردن تصمیمات نخبگان سیاسی و نظام سیاسی نقش مهمی می تواند ایفا نماید.
۱۴. پلیس و نیروی انتظامی با صحت عمل خود می تواند نقش تأثیرگزاری در مبارزه با فساد نخبگان سیاسی و قدرت و سالم سازی آنان داشته باشد.
۱۵. پلیس و نیروی انتظامی نقش واسط و رابط میان مردم و گروه های اجتماعی و مردمی با نظام سیاسی را ایفا می نماید.
۱۶. پلیس و نیروی انتظامی با عملکرد مناسب و درست نقش مهمی در افزایش اعتماد مردم و شهروندان به نظام سیاسی ایفا می کند.

۱۷. پلیس و نیروی انتظامی با عملکرد درست و مناسب خود به ارتقای سرمایه اجتماعی نظام سیاسی کمک می‌کند.
۱۸. پلیس و نیروی انتظامی با عملکرد و کارکردهای مناسب و درست خود به مشروعیت و در نتیجه به کارآمدی نظام سیاسی کمک شایان توجهی می‌کند.
۱۹. بزرگترین و مهم‌ترین وظیفه پلیس و نیروی انتظامی حفظ ارزش‌های اسلامی است.
۲۰. پلیس و نیروی انتظامی بازوی توانای اجرایی کردن مکانیزم امر به معروف و نهی از منکر در عرصه روابط اجتماعی و تحقق ظهور مسئولیت همگانی است.
۲۱. سازمان پلیس باید به جذب نیروهای انسانی از گروه‌های خاص موافق با نظام سیاسی بپردازد.
۲۲. پلیس باید در چهار مرحله در امور سیاسی، مداخله و ایفای نقش کند: مرحله اطلاعات، مرحله حمایت، مرحله اجتماعی کردن افراد و مرحله بسیج عمومی؛ به گونه‌ای که بتواند به مشروعیت و قدرت نظام سیاسی بیفزاید.
۲۳. پلیس باید سازوکارهای ایفای نقش فرآیند اجتماعی شدن افراد را تنظیم و اجرا کند. مثل مواردی که مأموران پلیس، مقررات راهنمایی و رانندگی را در مدارس به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهند.
۲۴. حمایت پلیس از نظام سیاسی، باید از طریق آموزش، ایجاد بصیرت، ارتقای ایمان و افزایش توانمندی‌های تخصصی مأموران پلیس تجلی یابد.
۲۵. پلیس و نیروی انتظامی در عرصه‌های گوناگون و مختلف ترقی، پیشرفت و توسعه‌یافتگی، بایستی مرزهای علمی و تخصصی را شکسته و به الگویی برای سایر سازمان‌های پلیسی در منطقه و جهان تبدیل شود.
۲۶. پلیس و نیروی انتظامی بایستی متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، اقدام به چابک‌سازی سازمانی نماید.
۲۷. پلیس و مأموران آن در مدیریت بحران‌ها و بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان و امثالهم هم نقش‌های مهمی مانند امداد رسانی به مصدومان و حادثه‌دیدگان را ایفا می‌نمایند.

۲۸. پلیس و نیروی انتظامی در یک رابطه متقابل چهارضلعی با مردم، مطبوعات و رسانه ها و سیاست، فرآیندی را پدید می آورد که در آن مشروعیت سیاسی در کنار مشروعیت جامعه ای و مردم سالار به منصه ظهور می رسد.

پلیس در جمهوری اسلامی ایران در یک رابطه متقابل با نظام سیاسی مردم سالار دینی، پلیسی مردم سالار و خادم مردم و ملت، فارغ از هر نژاد، قوم و مذهب و دین می باشد

فهرست منابع

- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ درجانی، حسین (۱۳۸۹)، امنیت در اسلام، مبانی و قالب‌های فکری، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۲ (۵): ۱۴-۳۵.
- آقابخشی، علی؛ فشاری، مینو (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ترابی، یوسف (۱۳۹۳)، امنیت اخلاقی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فصل‌نامه انجمن انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران ۳ (۸): ۵۹-۸۸.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (۱۳۸۳)، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، فصل‌نامه دانش انتظامی، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- ترابی، یوسف؛ رفیعی دولت‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۶)، پلیس و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران (روابط پلیس و سیاست)، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- جاویدی، مجتبی (۱۳۹۱)، نیروی انتظامی، مظهر اقتدار ملی، معاونت سیاسی سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، شهروند و دولت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، کلمات قصار، پندها و حکمتها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ذاکر اصفهانی، علیرضا؛ صادقی، زهرا (۱۳۸۷)، رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، تهدیدات و راه‌کارها، دوفصل‌نامه سیاسی (پژوهش حقوق و سیاست)، ۱۰ (۲۵): ۱۲۱-۲۳۱.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد مفضل (۱۴۰۴)، مفردات، تهران: دفتر نشر کتاب.
- رحمانی، اصغر (۱۳۸۶)، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض در آیین سخنان مقام معظم رهبری، نشریه طوبی، ۲۳.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سمت.
- سیدنژاد، صادق (۱۳۹۱)، تولید، کار و سرمایه از منظر آموزهای دینی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- عراقی نظری، عباس؛ شبانی، محمدرضا؛ کاظمی پیرسرا، فرشید (۱۳۹۶)، الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی و نقش ناجا مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۰ (۷): ۱-۲۷.
- عربی، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، فرهنگ تحلیلی واژه‌های انگلیسی، تهران: نشر کازرون.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان و سازمان تحقیقات و مطالعات پژوهشکده انتظام ناجا.
- کریمایی، علی‌اعظم (۱۳۸۹)، رویکردی ایجابی به امنیت اجتماعی و نقش ناجا در تأمین آن، فصل‌نامه علمی - پژوهشی نظم و امنیت انتظامی، سازمان تحقیقات ناجا، مطالعات و تحقیقات ناجا، ۳: ۷۸-۴۹.

لرنی، منوچهر (۱۳۸۳)، امنیت ملی و دفاع از ارزش ها، معاونت روابط عمومی و تبلیغات ساعس ناجا، مرکز چاپ، چاپ اول .

معاونت سیاسی ساعس ناجا (۱۳۸۱)، تحلیلی بر بیانات مقام معظم رهبری، چشمه همیشه جاری، شماره ۱۶. نظریور، مهدی (۱۳۸۷)، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف

